



مرکز تحقیقات اسلامی

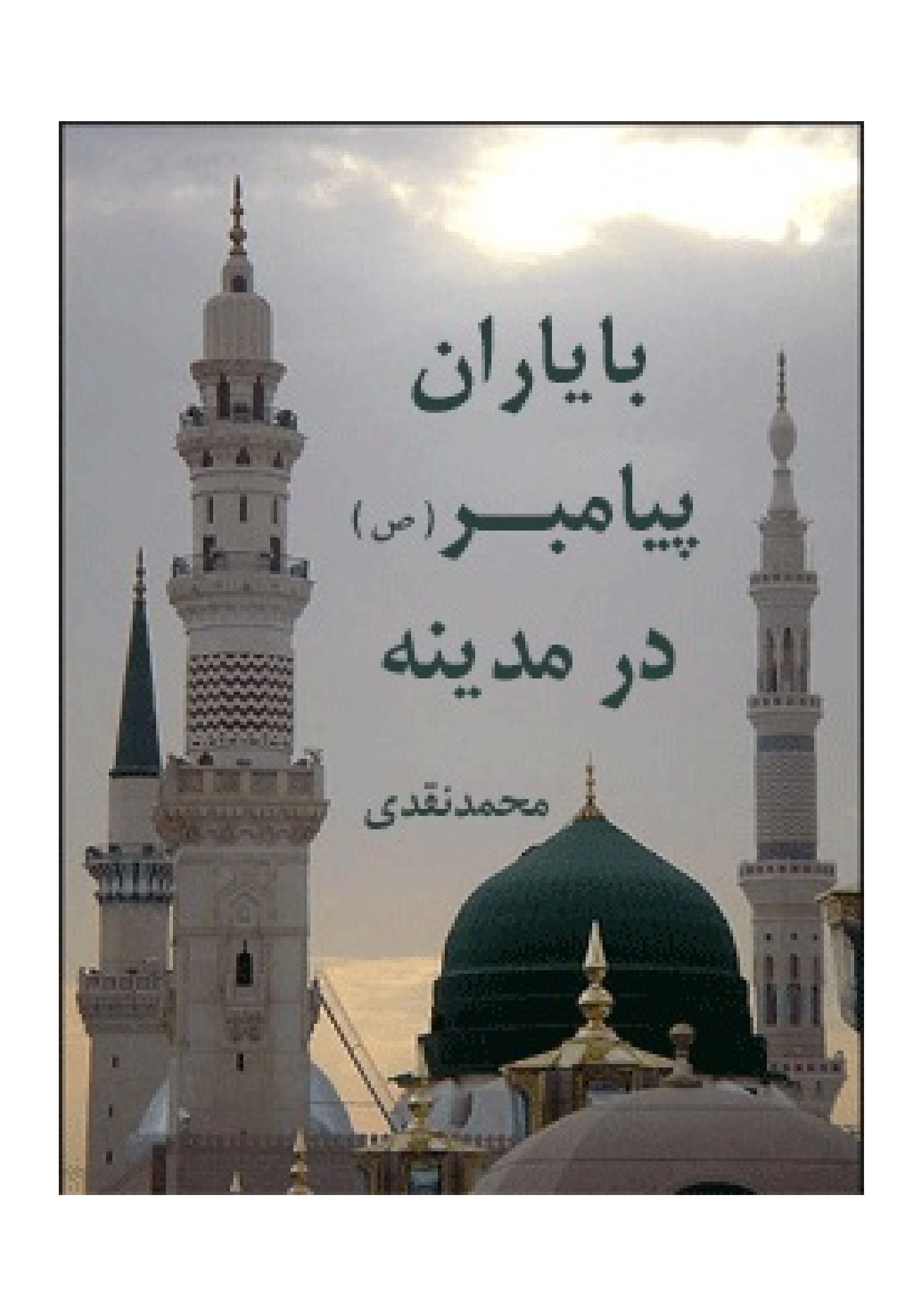
اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



بایاران

پیامبر (ص)

در مدینه

محمد نقدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# با یاران پیامبر (ص) در مدینه

نویسنده:

محمد نقدی

ناشر چاپی:

میقات حج

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	با یاران پیامبر (ص) در مدینه
۶	مشخصات کتاب
۶	با یاران پیامبر در مدینه
۸	پاورقی
۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## با یاران پیامبر (ص) در مدینه

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۴-۱۹۶۰۲

سرشناسه: نقدی محمد

عنوان و نام پدیدآور: با یاران پیامبر (ص) در مدینه نقدی محمد

منشأ مقاله:، میقات حج سال ۴، ش ۱۲، (تابستان ۱۳۷۴): ص ۱۰۴ - ۱۱۰.

توصیفگر: تاریخ اسلام

توصیفگر: جعفر بن ابی طالب (ع)

### با یاران پیامبر در مدینه

مگه روزهای سختی را سپری می‌کند. رشد اسلام و افزایش یاران پیامبر - ص - برای کفار عنود و لجوج قریش قابل تحمل نیست. روز به روز آزار و اذیت آنان بیشتر شده میدان بر تازه مسلمانان تنگ‌تر می‌شود. در چنین شرایط سختی، پیامبر - ص - اذن هجرت داده [۱] تعدادی از مسلمانان را به سرپرستی جعفر به سوی حبشه روانه می‌کند. [۲]. قریش که همچون ماری زخم خورده به خود می‌پیچد و از گسترش اسلام و طرفدارانش رنج می‌کشد و دستش از همه جا کوتاه شده، از این شگرد تازه، سخت عصبانی شده در صدد انتقام برمی‌آید. آنها تصمیم می‌گیرند حتی در خارج از مکه هم، عرصه را بر مسلمانان تنگ کنند. به همین خاطر سران کفر با اعزام نمایندگان به دربار (نجاشی) پادشاه حبشه در صدد کارشکنی برآمده و برای مسلمانان تازه هجرت کرده مزاحمت ایجاد می‌کنند. تالار قصر، رنگ و بوی دیگری دارد. پادشاه و قسیسین مسیحی با لباسهای مخصوص در یک طرف و نمایندگان کفار قریش در طرف دیگر، همه در انتظار ورود میهمانان مسلمانی هستند که تازه به حبشه هجرت کرده‌اند. نمایندگان قریش از قبل با تبلیغات سوء، اذهان حاضران را نسبت به مسلمانان بدبین کرده و از پادشاه خواسته‌اند که مسلمانان تازه وارد را از سرزمین خود بیرون کند. پادشاه دورانیدش، بیک خود را جهت دعوت مسلمانان و تحقیق از کار آنان به دنبالشان فرستاد. با ورود مسلمانان به جلسه، سکوت در هم شکسته و مجلس حال و هوای دیگری پیدا می‌کند. مسلمانان، در حالی که جعفر پیشاپیش آنها در حرکت است، با سکینه و وقار وارد مجلس می‌شوند. با دیدن نمایندگان قریش در دربار پادشاه، همراهان جعفر یکه خورده، مضطرب می‌شوند؛ زیرا آنها بطور ناگهانی دعوت شده و از قبل هیچ تدارکی برای چنین مجلسی ندارند اما جعفر آنها را دلداری داده و امیدوار می‌کند که با تعلیماتی که از پیامبر - ص - آموخته‌ام پاسخ لازم را خواهم داد. پادشاه حبشه به آنها رو کرده، می‌گوید: چرا از آیین پدران و اجداد خود دست کشیده و کیشی را پذیرفته‌اید که نه با آیین ما مطابقت دارد و نه با آیین اجداد خودتان؟! او جعفر در پاسخ می‌گوید: پادشاه! ما مردمی نادان بودیم که از هیچ کار زشتی پروا نداشتیم! بت می‌پرستیدیم. مردار را می‌خوردیم. اعمال قبیح انجام می‌دادیم، قطع رحم و خویشاوندی می‌کردیم. حقوق یکدیگر را محترم نشمرده، قوی حق ضعیف را پایمان می‌کرد، تا این که خداوند در بین ما پیامبری را برانگیخت که هم نسب او را می‌شناسیم و هم صداقت و راستی و امانت و عفاف او را تجربه کرده‌ایم. او ما را دعوت نمود که تنها خدا را پرستش کنیم و از آنچه غیر اوست و پدران ما می‌پرستیده‌اند؛ چون بت‌ها و سنگ‌ها، دست بشویم. او ما را به معروف راهنمایی و از منکر بازداشت و به ما امر نمود که: راست بگوییم، ادای امانت کنیم، با خویشاوندان و نزدیکان خود رفت و آمد داشته باشیم، به همسایگان ظلم نکنیم، خون یکدیگر را به ناحق نریزیم، حق کسی را ضایع ننماییم و مرتکب اعمال زشت نشویم، مال یتیم را نخوریم و به زنان عقیف نسبت ناروا ندهیم و از آنچه زشتی است ما را بازداشت. او از ما

خواست که تنها خدای واحد را بپرستیم و کسی را در عبادت شریک او قرار ندهیم. نماز بخوانیم، روزه بگیریم، زکات بپردازیم و آنچه از کارهای پسندیده است انجام دهیم. ما هم از صمیم جان حرف او را پذیرفتیم و به او ایمان آوردیم و از او پیروی کردیم، زیرا فهمیدیم آنچه او می‌گوید حق است. از آن پس قوم ما با ما دشمنی کردند و ما را آزار نمودند و اصرار داشتند که ما چون گذشتگان بر آیین خود بمانیم، چون ما نپذیرفتیم زندگی را سخت بر ما تنگ گرفتند و به آزار ما پرداختند تا حدی که مجبور به هجرت شدیم. و سرزمین شما را انتخاب کردیم به این امید که بتوانیم با آرامش زندگی کنیم. سخنان جعفر که به اینجا رسید، پادشاه از او پرسید: آیا چیزی از آنچه بر پیغمبر شما نازل شده به همراه دارید تا برای ما بخوانید؟ جعفر پاسخ داد: آری. پادشاه گفت: برای ما بخوان. جعفر شروع کرد به خواندن آیاتی از سوره «مریم»، با شنیدن نام مریم و قداست او و تعریف خداوند از عصمت او، بی‌اختیار دانه‌های اشک بر گونه پادشاه و قسیسین جاری شد و در حالی که همه منقلب شده بودند، پادشاه رو کرد به نمایندگان قریش و گفت: به خدا سوگند هرگز اینان را تسلیم شما نخواهم نمود. [۳]. و بدینسان اولین جلسه با پیروزی مسلمانان پایان یافت و نمایندگان کفار با سرافکنندگی و مأیوس از همه تدابیر انجام شده، دست از پا کوتاهتر مجلس را ترک کردند. برآستی که جعفر، همانگونه که پیامبر - ص - فرموده بود، هم خلقا و هم خلقا شبیه به او بود. [۴]. او از اولین روزهایی که ندای حق پرستی از حلقوم نازنین پیامبر - ص - در مکه طنین انداخت، جزء اولین یاران پیامبر - ص - بود و پس از برادرش علی - ع - اسلام را پذیرفت. [۵] و تا آخرین لحظه هم دست از یاری پیامبر برنداشت. در آغاز دعوت به اسلام روزی پدر بزرگوارش ابوطالب دید پیامبر - ص - همراه علی - ع - مشغول نمازند. علی - ع - سمت راست پیامبر - ص - ایستاده، به جعفر گفت: بال چپ او را پر کن و تو هم نماز بگذار. [۶]. بقدری جعفر عطف و مهربانی داشت و از فقرا و مساکین نگهداری می‌کرد که به «ابوالمساکین» مشهور شد. [۷]. پیامبر - ص - به جعفر علاقه زیادی داشت تا جایی که وقتی جعفر از حبشه به مدینه برگشت، مسلمانان تازه از جنگ خیر فارغ شده بودند. پیامبر - ص - بقدری از دیدن او خوشحال شد که سخت او را در آغوش کشید و میان دو دیده او را بوسید و این جمله مشهور را گفت: «نمی‌دانم به کدام خوشحال‌ترم. به آمدن جعفر یا به پیروزی خیر». [۸]. با ورود جعفر به مدینه، او را در جوار مسجد جای داد و او همواره در کنار پیامبر بود تا این که در سال هشتم هجری پس از چند ماه اقامت در شهر مدینه به دستور پیامبر به فرماندهی سپاه اسلام برگزیده شد و روانه [۹] جنگ «موته» گشت. جنگ «موته» در سال هشتم هجری و به دنبال کشته شدن سفیر پیامبر «حارث بن عمیر» به دست «شرحیل» که فرمانده سرزمینهای مرزی شام بود اتفاق افتاد. پیامبر - ص - پس از برقراری امنیت در سرزمین حجاز، سفیر خود را برای دعوت مردم شام و فرمانروای آن، به سوی آن منطقه گسیل داشت که به صورت ناجوانمردانه بوسیله «شرحیل» دست و پایش را بستند و او را کشتند. خبر مرگ این سفیر به مدینه رسید. پیامبر - ص - و اصحاب متأثر شدند و برای تأدیب آنان، سپاه اسلام آماده شد و به آن سو اعزام گردید. سپاه اسلام در «موته» با لشکر دشمن مواجه گردید و نبرد آغاز شد. جعفر که فرمانده اول سپاه اسلام بود. در کمال شجاعت جنگید، وقتی حلقه محاصره بر او تنگ شد، از اسب پایین آمد و با ضربه شمشیر، اسب خود را پی کرد تا هم قطع امید از اسباب عادی کرده باشد و هم ایجاد رعب و وحشت در دشمن و با حمله‌های پی در پی و ضربات شمشیر به دفاع از خود برخاست. دست راست او بوسیله دشمن قطع شد. پرچم را به دست چپ گرفت، دست چپش نیز قطع شد، پرچم را با دو بازو نگه داشت و سرانجام با بش از هفتاد زخم به لقاء و رضوان حق شتافت. هنگامی که خبر شهادت جعفر به مدینه رسید پیامبر - ص - وارد خانه جعفر شد و از همسرش «اسماء بنت عمیس» پرسید: فرزندان من کجایند؟ اسما آنها را صدا زد؛ عبدالله عون و محمد! پیامبر دستی بر سرشان کشید و در آغوشش گرفت. اسما با تعجب پرسید: ای رسول خدا، طوری آنها را نوازش می‌کنی، گویی یتیمند! پیامبر - ص - فرمود: اسما! آیا نمی‌دانی که جعفر شهید شده! با شنیدن این سخن، صدای ناله اسما بلند شد. پیامبر - ص - در حالی که قطرات اشک صورتش را خیس کرده بود، او را دلداری داد و فرمود: گریه نکن، خداوند به من خبر داد که برای جعفر در بهشت دو بال هست از یاقوت قرمز. و دستور داد برای آنها طعامی حاضر کنند که این سنت

شد. [۱۰]. روز قبر جعفر در موته [۱۱] مشهور و محل زیارت است. جعفر در سن ۴۱ سالگی به شهادت رسید، پیامبر - ص - همواره از او به بزرگی یاد می‌کرد. احادیث بسیاری در شأن و فضیلت جعفر از زبان پیامبر وارد شده. [۱۲]. اهمیت وجودی او بقدری زیاد بود که حضرت علی - ع - در نبود او و حمزه اشک می‌ریخت و از آنها به بزرگی یاد می‌کرد. [۱۳]. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی [۱۴]، روایتی را از قول سدید نقل می‌کند که: «روزی در خدمت امام باقر - ع - مشغول گفتگو بودیم پیرامون آنچه بعد از رحلت پیامبر بر مردم گذشت، یکی از اصحاب رو به امام باقر - ع - عرضه داشت: چگونه شد عزت بنی هاشم بعد از پیامبر - ص -؟ امام در پاسخ فرمود: آنهایی که در بنی هاشم بودند، جعفر و حمزه بودند که در گذشتند. تنها دو نفر از بنی هاشم در کنار علی ماند که آندو، هم ضعیف بودند و هم تازه مسلمان، به خدا سوگند اگر جعفر و حمزه باقی بودند گرچه خود را به هلاکت رسانده بودند، نمی‌گذاشتند اینچنین شود. مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعه می‌نویسد: به همین خاطر من جعفر را در طبقه شیعیان ذکر کرده‌ام. [۱۵].

## پاورقی

[۱] نکه: الروض الأئف، سهیلی، ج ۲، صص ۹۵ - ۶۹.

[۲] اولین هجرت مسلمانان بن حبشه، با سرپرستی صحابی بزرگ «عثمان بن مظعون» بود، به تعداد ۱۰ نفر از هر قبیله یک نفر. و دومین هجرت به سرپرستی «جعفر» بود که تعدادشان رویهم در حبشه به ۸۳ نفر می‌رسید. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۴۴، چاپ مصر مصطفی البابی.

[۳] سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۳۳۷ - ۳۳۵ چاپ مصر، مصطفی البابی.

[۴] اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۴۱ چاپ دارالشعب.

[۵] همان.

[۶] اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۴۱.

[۷] مقاتل الطالبیین، ص ۶، چاپ قاهره «دار احیاء الکتب العربیه».

[۸] همان، ص ۱۱.

[۹] در کتابهای تاریخی و در مصادر اهل سنت، فرماندهی اول سپاه به زید بن حارثه، بعد به جعفر و در مرحله سوم به عبد الله بن رواحه نقل شده اما مدارک صحیح از جمله اشعاری که «حسان بن ثابت» و «کعب بن مالک» در این قضیه سروده‌اند، شاهد این مدعاست که فرمانده اول جعفر بوده است. و آنها خود از پیامبر شنیده‌اند. ابن هشام در سیره خود این اشعار را آورده است اما هیچ اشاره‌ای به ترتیب اصلی فرماندهان نمی‌کند؛ از جمله اشعار صریح «کعب بن مالک» در این زمینه این است: اذ یهتدون بجعفر و

لوائه قدّام اولهم فنعّم الأوّل سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۸۶، چاپ مصر، مصطفی البابی. ]

[۱۰] سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۹۳، چاپ انتشارات اسوه.

[۱۱] موته نام قریه‌ای است در سرزمین بقاء از سر حدّات شام، معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۲۰.

[۱۲] نکه: «مناقب الامام امیر المؤمنین»، محمد بن سلیمان، چاپ مجمع الثقافه الاسلامیه، ایران - قم. ج ۱ و ۲ - و «شواهد التنزیل»،

الحاکم الحسکانی، ج ۱ و ۲.

[۱۳] اعیان الشیعه، ج ۴، صص ۱۲۸ - ۱۱۸.

[۱۴] روضه کافی، ج ۸، صص ۱۹۰ - ۱۸۹، ح ۲۱۶.

[۱۵] اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۰.



## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

